

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.8, Aban2022

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.316895,2700>

Iran's Criminal Policy Towards Crimes Based on Secrecy

Abstract

It is our right to keep various aspects of life hidden from others, and both the Shari'a and the law forbid spying on the work of others; But sometimes secrecy is not only not protected, but it is also a crime and punishable. Secrecy is not a crime in itself, but sometimes because we secretly endanger public order and security, the legislature has criminalized some forms of secrecy. The purpose of this study is to investigate Iran's criminal policy towards crimes based on secrecy with emphasis on the elimination or concealment of evidence and evidence of a crime. The method of compiling this research is descriptive-analytical. Findings indicate that the current and conventional criminal approach, given the growth and development of technology and the possibility of using it to conceal these crimes, is not comprehensive and sufficient and the criminal justice system in the process of detecting, prosecuting, and punishing perpetrators Crimes born of secrecy face hardship; Therefore, careful identification and investigation of such crimes is necessary due to the multiplicity of crimes and the difficulty of discovering, investigating and evaluating the evidence. Therefore, in the absence of such a policy, the legislature does not react to these major crimes, and the law needs to be amended in this regard, which can only be discovered and investigated through scrutiny and transparency in the constituent elements. It will be possible to punish these crimes.

Keywords: concealment, effects, evidence, crime, punishment, Iranian criminal policy.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.316895.2700>

سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مبتنی بر پنهان کاری

طاهره کیاکجوری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

اصغر عباسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

مهدی اسماعیلی^۳

چکیده

پنهان نگه داشتن وجوه مختلف زندگی از دیگران حق ما ست و شرع و قانون هر دو تجسس در کار دیگران را ممنوع می کنند؛ اما گاهی مخفی کاری و پنهان کاری نه تنها حمایت نمی شود بلکه جرم است و مجازات دارد. پنهان کاری به خودی خود، جرم نیست اما گاهی به این دلیل که با مخفی کاری نظم عمومی و امنیت کشور را به مخاطره می اندازیم قانونگذار برخی از شکل های پنهان کاری را جرم اعلام کرده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مبتنی بر پنهان کاری با تاکید بر امحا و یا اخفای آثار و ادله ی جرم می باشد. روش تدوین این تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که، رویکرد کیفری موجود و متعارف، امروزه با توجه با رشد و توسعه فناوری و امکان استفاده از آن برای پنهان کاری در جرایم مذکور، جامع و کافی نیست و دستگاه عدالت کیفری در روند کشف، رسیدگی و مجازات مرتکبین جرایمی که با پنهان کاری متولد می شوند با عسر و حرج روبرو است؛ بنابراین شناسایی و بررسی دقیق موشکافانه و دقیق این گونه جرایم به جهت تعدد ارتکاب و دشواری کشف، رسیدگی و ارزیابی ادله ی اثبات، ضرورت دارد. لذا با توجه به عدم وجود چنین سیاستی، نگاه قانون گذار در واکنش به این جرایم کلان نبوده و قانون در این خصوص نیازمند اصلاحات است که تنها از رهگذر بررسی موشکافانه و شفاف سازی در زمینه ی عناصر تشکیل دهنده، نحوه ی کشف و رسیدگی و مجازات این جرایم امکان پذیر خواهد بود.

کلید واژگان: اخفا، آثار، ادله، جرم، مجازات، سیاست جنایی ایران.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق، گرایش حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

Kiakojouri_tahereh@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران نویسنده مسول abbaciasghar482@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران. dresmaeli@yahoo.com

پنهانکاری، به خودی خود جرم نیست اما گاهی به این دلیل که با مخفی کاری نظم عمومی و امنیت کشور به مخاطره می افتد قانونگذار برخی از اشکال پنهانکاری را جرم اعلام کرده است. بزهکاران همواره به دنبال راههایی برای ارتکاب جرم هستند که اعمال مجرمانه شان کشف نشود و اصطلاحاً امکان گریز از قانون، آسانتر فراهم باشد به عبارت دیگر مزیت ارتکاب جرم تابعی است از فرصت، هدف، خطر و تلاش؛ در واقع مجرمان افرادی هستند که منافع حاصل از جرم را در برابر مشکلات و سختی های ارتکاب آن، خطر دستگیری و مورد شناسایی قرار گرفتن می سنجند و سپس دست به ارتکاب آن می زنند. منظور از جرایم مبتنی بر پنهانکاری آن دسته از جرایمی است که امکان تحقق آنها فقط به صورت پنهانی ممکن است در واقع پنهانی انجام شدن، جز شرایط تحقق عنصر مادی آن است. با نگاهی اجمالی به قانون مجازات اسلامی در می یابیم که پنهانکاری به صورت خاص در خصوص برخی جرایم قبیح عنوان شده است. بعضاً قانون گذار رفتارهایی را جرم انگاری نموده که عنصر مادی آن مبتنی بر امحا و یا اخفای آثار و ادله ی جرم (ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۵)، مخفی نمودن ادله (ماده ۶۰۴ ق.م.ا، تعزیرات، مخفی کردن اسناد و اوراق دولتی سپرده شده)، موضوع (ماده ۶۶۲ ق.م.ا، تعزیرات، مخفی کردن مال مسروقه)، مرتکب (ماده ۵۱۰ ق.م.ا، تعزیرات، مخفی کردن جاسوس) و یا منشا (ماده ۲ قانون پولشویی، اخفای ماهیت واقعی مال حاصل از جرم) جرم ارتكابی است.

در این راستا نظام کیفری باید بتواند با افزایش خطر کشف و تعقیب جرم و محکومیت و نیز با واکنش جزایی متناسب و بازدارنده، مرتکبان جرایم مبتنی بر پنهانکاری را که غالباً حسابگر هستند، متقاعد سازد که بهتر است از ارتکاب اعمال مجرمانه دست بردارند. این کارکرد مستلزم به کارگیری یک سیاست کیفری منسجم و هدفمند است؛ چرا که عنصر مادی این جرایم لزوماً با مخفی کاری ارتکاب می یابند و الگو و روش آنها تا حدودی با سایر جرایم متمایز هستند. نحوه ارتکاب، ادله اثبات، نحوه ی کشف، رسیدگی و دستگیری و تمایزات و عدم کارایی نظام کیفری سنتی در مقابله با این جرایم است که تبیین رویکرد افتراقی در قلمروی جرایم مبتنی بر پنهانکاری را ضروری می نمایاند. رویکرد افتراقی هر دو قلمرو حقوق کیفری ماهوی (حوزه، مسئولیت کیفری و پاسخ گذاری) و حقوق کیفری شکلی (تحقیقات مقدماتی، تشریفات رسیدگی و ادله ی اثبات) را در بر می گیرد. رویکرد کیفری موجود و متعارف، امروزه با توجه با رشد و توسعه فناوری و امکان استفاده از آن برای پنهانکاری در جرایم مذکور، جامع و کافی نیست و دستگاه عدالت کیفری در روند کشف، رسیدگی و مجازات مرتکبین جرایمی که با پنهانکاری متولد می شوند با عسر و حرج روبرو است؛ بنابراین شناسایی و بررسی دقیق موشکافانه و دقیق این گونه جرایم به جهت تعدد ارتکاب و دشواری کشف، رسیدگی و ارزیابی ادله ی اثبات، ضرورت دارد. لذا با توجه به عدم وجود چنین سیاستی، نگاه قانون گذار در واکنش به این جرایم کلان نبوده و قانون در این خصوص نیازمند اصلاحات است که تنها از رهگذر بررسی موشکافانه و شفاف سازی در زمینه ی عناصر تشکیل دهنده، نحوه ی کشف و رسیدگی و مجازات این جرایم امکان پذیر خواهد بود. با توجه به مطالب معنونه، به دلیل اهمیت و کثرت عناوین متعدد مجرمانه مبتنی پنهانکاری و متعاقباً پیشگیری از اطاله کلام در بررسی تمامی این عناوین، نگارنده بر آن شده است تا در بررسی فرایند چگونگی ارتکاب و وقوع این گونه جرایم، ارکان و عناصر جرم امحا و یا اخفای آثار و ادله ی جرم را مورد مداقه قرار دهد.

۲- مفهوم سیاست جنایی

برای اولین بار دانشمند آلمانی فوئرباخ در کتاب «حقوق جزا» در سال ۱۸۰۳ «سیاست جنایی» را اینگونه تعریف نمود: «مجموعه روش‌های سرکوبنده و کیفری که دولت با توسل به آنها در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد». با توجه به این عقیده می‌توان گفت باخ سیاست جنایی را دارای مؤلفه‌های زیر می‌داند: (لازرژ، ۱۳۹۲: ۹).

- مبتنی بر تدابیر و وسایل قهرآمیز و تنبیهی است؛

- جنبه‌ی رسمی و دولتی دارد. یعنی صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل دهنده‌ی حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شود.

- فقط به مبارزه علیه جرم می‌پردازد و به سایر رفتارهای انحرافی که جنبه‌ی کیفری و ضمانت اجرای جزایی ندارند، توجه ندارد.

- پیشگیری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می‌شود.

به این ترتیب سیاست جنایی مجموعه‌ای از اقدامات است که نظام کیفری از طریق قوه قضاییه و بکار بستن قوانین جزایی بدان می‌پردازد و تنها برخوردی حقوقی با پدیده جنایی دارد و ابزار آن مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی است، و شامل اقداماتی قضایی است که مربوط به مرحله پیش از محاکمه، مرحله محاکمه، مرحله رسیدگی و در نهایت مرحله اجرا یعنی به طور کلی پس از ارتکاب جرم می‌باشد (قیاسی، ۱۳۸۶: ۶۶). لذا همانطور که از تعریف سیاست جنایی برمی‌آید تنها برخوردهای کیفری در قبال جرم را دربرمی‌گیرد چرا که سیستم کیفری فقط صلاحیت رسیدگی به جرایم را دارد، البته برخوردهای مبارزه با بزه و بزهکار شریک می‌داند.

۳- مفهوم اخفاء

«اخفاء» یکی از احکام حروف، در لغت به معنای پوشاندن و پنهان کردن است، و در اصطلاح تجوید، کم اعتمادی بر مخرج حرف یا پنهان کردن حرف هنگام تلفظ آن در شرایطی خاص است (آذرنوش، ۱۳۸۳: ماده‌ی خفی). در فرهنگ‌های واژه‌ی پارسی واژگی اخفاء به معنای پوشیده داشتن، پنهان داشتن، پنهان کردن، پوشانیدن و آشکار نکردن آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۵۶).

اخفا را در اصطلاح حقوق جزا، به پنهان کردن شخص، مال یا ماهیت واقعی مال، با هدف مجرمانه تعریف می‌نمایند (ایمانی، ۱۳۸۳: ۷۴). مخفی نمودن به خودی خود جرم محسوب نمی‌شود؛ اما گاهی موضوع اخفاء عملی است که نظم عمومی را به مخاطره انداخته و قانونگذار برای جلوگیری از آن، این عمل را جرم‌انگاری نموده و برای آن مجازات تعیین می‌نماید.

۴- موارد و مصادیق پنهان کاری

پنهان کاری به خودی خود، جرم نیست اما گاهی به این دلیل که با مخفی کاری نظم عمومی و امنیت کشور را به مخاطره می‌اندازیم قانونگذار برخی از شکل‌های پنهان کاری را جرم اعلام کرده است. مواردی که در آنها پنهان کاری جرم است به این شرح است:

- اخفای ادله جرم

- اخفای اسناد دولتی

- اخفای جسد

-اخفای زندانی

-اخفای طفل

-اخفای جاسوسان

-اخفای مال مسروقه

-اخفای ماهیت واقعی عواید حاصل از جرم

۵- ارکان و عناصر جرم امحا و یا اخفای آثار و ادله ی جرم

اصولاً هر نوع جرم حادث شده واجد ارکان متفاوتی می باشد که از آن به عنوان ارکان یا عناصر جرم یاد می شود. برخی عناصر، منحصر به جرمی خاص است که عناصر اختصاصی نام دارد و برخی عناصر، عناصر مشترک تمامی جرایم است. این دسته، عناصر عمومی جرم نام دارد (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

عناصر عمومی به سه دسته ی عنصر قانونی (قانونگذار این رفتار را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد) عنصر مادی (فعل یا ترک فعلی که به منصفه ی ظهور و به مرحله ی فعلیت برسد) و عنصر روانی (با علم و اختیار و بدون اجبار و اکراه واقع شود) تقسیم می شود. در ادامه به توضیح مبسوط عناصر سه گانه جرم اخفا در سیاست جنایی ایران می پردازیم.

۱-۵- عنصر قانونی جرم امحا و یا اخفای آثار و ادله ی جرم

در قانون مجازات اسلامی یک ماده به موضوع جرم انگاری اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم پرداخته است. ماده ی ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۵، در این خصوص چنین بیان میدارد: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی جرم از محاکمه و محکومیت، مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله ی جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه ی مجرم، ادله ی جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تبرئه- در موارد مذکور در ماده ی ۵۵۳ و این ماده، در صورتی که مرتکب از اقارب درجه ی اول متهم با شد. مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده، بیشتر نخواهد بود».

این ماده، دایره ی شمول وسیعی دارد و موارد و مصادیق زیادی را در برمی گیرد که یکی از آنها، همین امحا و اخفا است. لذا ماده ۵۴۴ ق.م.ا به عنوان رکن قانونی جرم امحا و یا اخفای آثار و ادله ی جرم شناخته می شود.

۲-۵- عنصر مادی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم

برای عنصر مادی جرم عده ای از حقوقدانان ۳ جزء را متصور شده اند و بیان نموده اند که عنصر مادی جرم از کنار هم آمدن این ۳ جزء تشکیل می شود. به نظراین عده، اولین و نخستین جزء عنصر مادی، عبارت است از رفتار فیزیکی، که با توجه به توصیفی که قانونگذار از هر جرم کرده است، می تواند فعل اعم از کردار یا گفتار و یا ترک فعل باشد. اکثر جرایم نیز از این نوع می باشند. لیکن برخی از جرایم با عدم انجام کاری که قانون بر عهده ی یک فرد مکلف گذاشته است ارتکاب می یابند. به عنوان نمونه این موارد می توان، عدم قبول یا رسیدگی به شکایت یا تظلم از سوی مقامات قضایی موضوع ماده ی ۵۹۷ قانون تعزیرات و یا گزارش نکردن جرایم مالی توسط روسا، مدیران یا مسئولان سازمانها مصنوع ماده ی ۶۰۶ قانون تعزیرات (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۴).

دومین جزء به نظر این عده، مجموعه ی شرایط و اوضاع و احوالی است که مقنن، وجود و یا فقدان آنها را برای تحقق جرم ضروری میدانند. به عبارت دیگر، برای تحقق هر جرمی، فعل یا ترک فعل باید در شرایط خاصی رخ داده باشد که این شرایط ممکن است مربوط به جرم، قربانی، زمان و مکان ارتکاب جرم و یا هر چیز دیگری باشد. به علاوه، این شرایط ممکن است ایجابی و وجودی و یا، سلبی و عدمی باشند. به عبارت دیگر، گاه مقنن وجود شرایطی را برای تحقق جرم خاصی ضروری دانسته است و گاه عدم آن را لازم می‌داند.

سومین جزئی که برای تکمیل عنصر مادی جرم لازم است، وقوع نتیجه ی مشخص شده از سوی مقنن می‌باشد. بدون تحقق این نتیجه، جرم تام رخ نخواهد داد و مرتکب تنها ممکن است به شروع به ارتکاب جرم محکوم شود. بدیهی است، تحقق جرایمی که مقنن آنها را مطلق و نه مقید به نتیجه ی خاص دانسته است، نیازی به جزء سوم عنصر مادی ندارد. این جرایم بدون نیاز به نتیج شدن فعل یا ترک فعل به نتیجه ی خاص، به وقوع می‌پیوندند (همان: ۲۵). ما هم به همین ترتیب به بررسی عنصر مادی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم می‌پردازیم.

۱-۲-۵- رفتار فیزیکی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم

منظور از رفتار فیزیکی در جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم، رفتاری است که از مرتکب سر میزند و منتج به نتیجه‌ی مورد نظر، یعنی خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت می‌شود. ماده‌ی ۵۵۴ از لفظ مساعدت استفاده نموده و مصداق‌های مذکور در ماده را با قید «از قبیل»، آورده است. بنابراین دایره‌ی شمول ماده بسیار گسترده است. در این که این جرم بتواند به وسیله ی انجام یک «فعل» صورت بپذیرد، هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. اما آیا این جرم می‌تواند به صورت ترک فعل نیز محقق گردد؟ در پاسخ به این پرسش باید معنای «ترک فعل» توجه نماییم، ترک فعل در حقوق کیفری چه معنا و تعریفی دارد؟

عده‌ای از حقوقدانان، در مقام تعریف ترک فعل ابراز داشته‌اند که ترک فعل، به معنی امتناع از ایفای تکلیفی است که موضوع حکم قانونگذار بوده است. به دیگر سخن، در جرمی که با ترک فعل محقق می‌شود، عنصر مادی جرم، امتناع از عملی است که نفس آن قطع نظر از آثاری که ممکن است به وجود آورد، مقصود قانونگذار بوده است (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

برخی دیگر از حقوقدانان، برای ترک فعلی که جرم تلقی گردد چهار شرط ذکر کرده‌اند که عبارتند از وجود وظیفه ی قانونی تخلف شده از آن، رابطه ی سببیت میان ترک فعل و نتیجه ی حاصله از جرم، توانایی تارک بر انجام فعل و چهارم، وجود عنصر معنوی، دال بر حصول نتیجه به وسیله ی ترک فعل را ذکر نموده‌اند (صادقی، ۱۳۹۰: ۴۳). به نظر می‌رسد، تعریف نخست، جامع و مانع باشد و عناصر برشمرده شده‌ی دوم تا چهارم، در تعریف دوم، مستغرق در همان وظیفه ی قانونی باشد.

با تدقیق و تبیین در ماده ۲ قانون جدید مجازات اسلامی در تعریف جرم، به یک نتیجه ی مهم نایل می‌شویم و آن این است که وقتی قانونگذار می‌گوید هر رفتاری که ترک آن در قانون مجازات داشته باشد جرم است، پس بالضرورة می‌بایست این ترک فعل، در ذات امر، یک تکلیف مبنی بر انجام دادن کاری باشد که از عدم انجام آن، تارک، مستحق مجازات می‌گردد. در قوانین نیز با استقرایی کلی در آنها می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار، در پاره‌ای اوقات مجازات مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه را در حق تارک نیز تحمیل نموده است. ماده ی ۱۰۶ از قانون سابق آیین دادرسی کیفری یکی از مصادیق این جرم را بدین گونه مقرر می‌کند: «هرگاه متهم،

نوشته‌های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، قاضی می‌تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارائه‌ی آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد. اما پرسش مهمی که می‌توان مطرح نمود این است که آیا، عدم شهادت دادن مصداقی از جرم اخفای ادله‌ی جرم هم محسوب می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، اگر شخصی از ادای شهادت امتناع نماید، آیا می‌توان او را به جرم اخفای ادله‌ی جرم مورد پیگرد و تعقیب قرار داد؟

تبصره‌ی یکم ماده‌ی ۲۰۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در این ارتباط مقرر می‌کند: «در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد، جلب می‌شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد. مجدداً احضار و در صورت عدم حضور، جلب می‌شود». بنابراین و با توجه به این ماده، نخستین ضمانت اجرای عدم حضور برای ادای شهادت، جلب شاهد می‌باشد. اما این ماده مقرر نمی‌کند که در صورت جلب و عدم ادای شهادت از سوی شاهد، چه آینده‌ای در پیش روی وی قرار خواهد گرفت؟

تبصره‌ی ماده‌ی ۲۱۲ همان قانون، پاسخ این پرسش را داده است. مطابق این تبصره: «بازپرس، مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء، اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند». با تدقیق در مفاد این ماده، به نظر می‌رسد، که نمی‌توان هیچگونه ضمانت اجرای کیفری خاصی برای عدم ادای شهادت مقرر کرد.

۲-۲-۵- شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم اخفاء و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم

در ابتدای ماده‌ی ۵۵۴ از لفظ و واژه‌ی «هرکس» استفاده شده است. در خصوص شمول ماده نسبت به ضابطین و مقامات دادسرا هیچگونه تردید و اختلافی نیست و اگر این افراد شاهد و ناظر جرم عمومی غیرقابل گذشتی باشند و از اقدام قانونی امتناع کنند حتماً عمل آنها اگر مصداق عنوان مجرمانه‌ی دیگری نباشد، مصداق این ماده می‌باشد. اما پرسشی که کمتر نویسندگان بدان پرداخته‌اند این است که اگر یک «وکیل دادگستری» اقدام به عملیاتی کند که موجب خلاصی مجرم از محاکمه شود، باز هم مشمول این ماده هست؟ در صورت شمول این ماده بر چنین اقدامی، پس از جمع ماده‌ی ۵۵۴ با ماده‌ی ۶۴۸ چگونه ممکن می‌شود؟ ماده‌ی ۶۴۸ مقرر می‌کند: «اطباء، جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه‌ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

همچنین ماده‌ی ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ مقرر می‌کند: «وکیل باید اسراری را که وسیله‌ی وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید».

پاسخ به این پرسش آسان نیست. سرّ در لغت به معنای چیز پوشیده از دیگری است و در اصطلاح، امری است که نوعاً دادی به اخفای آن وجود داشته باشد (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۸۱). برخی از حقوقدانان گفته‌اند که، منظور از محرم اسرار، حرمت رازداری است. یعنی مرتکب باید به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود، از اسرار مردم آگاه شده باشد و قانوناً موظف به حفظ رازداری باشد (قادر و شکری، ۱۳۸۴: ۷۳۱). با توجه به ماده‌ی ۳۰ قانون وکالت و با توجه به این که قانونگذار در آن ماده از لفظ عام اسرار نام برده، به نظر می‌رسد که عمل وکیلی که برای تبرئه یا تخفیف مجازات موکل خود، حقایقی را پنهان می‌کند، مصداق جرم اخفاء و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم نباشد.

با این حال، بهتر است برای حفظ نظم در عدالت قضایی و با توجه به شان وکیل، قایل بر این نظر باشیم که عمل وکیلی که برای خلاصی موکل خود متوسل به دفاعی می شود که قلب حقیقت است، مصداقی از جرم موضوع ماده ۵۵۴ می باشد. در هر حال، شرط مهم دیگری که برای شمول صدق حکم ماده لازم می باشد، آن است که مساعدت کننده، علم به جرم بودن موضوع پیش آمده داشته باشد. به عبارت دیگر، جرم بودن عمل متهم رکن معنوی و ایجاد کننده ی عنصر عمد در عمل ارتكابی مساعدت کننده به حساب می آید و اگر وی، علم به جرم نبودن عمل نداشته باشد، نمی توان وی را مشمول این ماده دانست. هر چند که در عمل اثبات عدم علم به جرم بودن عمل ارتكابی بسیار مشکل است.

پرسشی که در این موضع مطرح می شود آن است که اگر، شخصی به تصور جرم بودن عملی، در امحا و یا اخفای آثار و ادله ی عمل صورت گرفته کمک کند اما بعداً محرز شود که عمل صورت گرفته جرم نیست، عمل وی دارای چه حکمی است؟

در اینجا باید گفت، از آنجا که فلسفه ی تقنین ماده ی ۵۵۴ جلوگیری از عدم مجازات و محاکمه ی مجرمین است و در فرض مورد بحث اساساً مجرمی متصور نیست، بنابراین عمل کمک کننده مصداق ماده ی ۵۵۴ نمی تواند باشد. لازم به ذکر است که در ماده، از آنجا که از واژه ی «مجرم» استفاده شده است، این اطلاق شامل معاون یا احیاناً معاونین جرم نیز می شود. همچنین اطلاق کلمه ی جرم، هم شامل جرایم عمدی می شود و هم شامل جرایم غیر عمدی.

۳-۲-۵- نتیجه ی حاصله

همان گونه که بیان شد و برخی از نویسندگان نیز متعرض آن شده اند، جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم، از جرایم علیه عدالت قضایی محسوب می شود (کوشا، ۱۳۸۱: ۴۲). آنگونه که از عبارات قانونگذار نیز استنباط می شود، این جرم، جرم مقید نیست بلکه مطلق است و نیازمند حصول نتیجه ی خاص، یعنی خلاصی مجرم از محاکمه و یا محکومیت نیست. بعضی جرایم بدون آنکه، تحقق آنها به حصول نتیجه ای یا ضرر یا صدمه ای مقید شده باشد، جرم کامل به شمار می رود (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

با تدقیق در عبارات ماده ی ۵۵۴، می توان به این نتیجه رسید که قانونگذار این جرم را یک جرم مطلق قلمداد نموده است، چرا در این ماده می خوانیم، «برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند...» و قانونگذار نتیجه ی خاصی برای محکومیت مجرم به مساعدت، مقرر ننموده است. بنابراین صرف ارایه ی سند مجعول و یا تهیه ی منزل و یا اقدام به سوزاندن اوراق مثبت جرم، بدون اینکه منتج به تبرئه ی مجرم شود، می تواند دربرگیرنده ی جرم اخفا و یا امحا باشد. مهم این است که فرد دیگری غیر از مجرم، اقدام به مساعدت به هر گونه، به مجرم اصلی نماید.

گفته شده است که، با عنایت به قید محاکمه و محکومیت، مساعدت های مذکور در این ماده باید قبل از دستگیری مجرم باشد (زراعت، ۱۳۸۷: ۲۲۰). اما با توجه به قید «یا برای تبرئه ی مجرم، ادله ی جعلی ابراز کند» تفسیر منطقی قانون، ما را به این نتیجه می رساند که مساعدت ها بعد از دستگیری نیز می تواند صورت گیرد.

۳-۵- عنصر معنوی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم

"عنصر روانی" (سوءنیت) یکی از عناصر تشکیل‌دهنده جرم است که در بین صاحب‌نظران حقوقی در دو معنای وسیع و محدود بکار می‌رود. عنصر روانی جرائم عمدی در معنای محدود شامل، جرائم اختیاری یا جرائمی که مجرم عامل مورد ملاحظه است و در جرائم غیرعمدی شامل جرائم اختیاری و سهل‌انگاری است، ولیکن عنصر روانی در معنای وسیع علاوه بر معنای محدود شامل مسئولیت کیفری نیز می‌باشد. وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم دانسته برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرائم عمدی مثل قتل عمد) یا در اجرای عمل به نحوی از انحا و بی‌آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت (جرائم غیر عمدی مثل عبور راننده از چراغ قرمز) (نوربها، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

در تجزیه و تحلیل مفهوم عنصر روانی جرم، مسائلی از قبیل "اراده"، "قصد مجرمانه"، "تقصیر جزایی" که نمایانگر رابطه ذهنی انسان با رفتارش می‌باشد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. رفتار انسانی هنگامی قابل سرزنش و مجازات است که توأم به قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد؛ رفتار بدون تقصیر، سرزنش نمی‌باشد، تحمیل مجازات بر انسان بدون تقصیر از نظر منطقی و بنای عقلا، امری زشت و قبیح است، البته میزان مجازات بر حسب وجود قصد مجرمانه و یا تقصیر جزایی می‌بایست متفاوت باشد، گرچه ممکن است وقوع جرم عمدی یا غیرعمدی از نتایج یکسان برخوردار باشد. بطور مثال نتیجه قتل اعم از عمدی یا غیرعمدی عبارت است از "سلب حیات از انسان زنده"؛ ولیکن امروزه در کلیه نظام‌های حقوقی مجازات قتل بر حسب عنصر روانی متفاوت است. برای آنکه بتوان جرمی را متناسب به فردی کرده و او را در برابر انجام آن مجازات کرد علاوه بر عنصر قانونی، مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم، شامل وقوع عمل در خارج، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد؛ در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی (یا رابطه ارادی) موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی (یا روانی یا معنوی) می‌نامند (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸۰).

۳-۶- سیاست جنایی ایران بر جرایم اخفای ادله جرم

معمول‌ترین نوع مخفی‌کاری که مجازات برای آن در نظر گرفته شده است مخفی کردن دلایل وقوع جرم است. این کار با هدف کمک به مجرم برای رهایی او از محاکمه و محکومیت انجام می‌شود و بر اساس ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی ممکن است از یک تا سه سال حبس به دنبال داشته باشد. وقتی گفته می‌شود مخفی کردن دلایل برای کمک به مجرم جرم است این جرم کمک به مباشر و معاون جرم را هم در برمی‌گیرد و جرایم عمدی و غیرعمدی هر دو در دایره این جرم قرار می‌گیرند. البته باید ثابت شود که در مخفی کردن دلایل وقوع جرم قصد خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت وجود داشته است. در قانون مجازات اسلامی یک ماده به موضوع جرم انگاری اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم پرداخته است. این ماده، دایره‌ی شمول وسیعی دارد و موارد و مصداق زیادی را دربرمی‌گیرد که یکی از آنها، همین امحا و اخفا است.

۱-۶- ضابطان دادگستری در راستای حفظ آثار و ادله ی جرم در قانون جدید

ضابطان دادگستری اصولاً، باید و تنها، طبق مجوز صادره و دستوری که به آنها ابلاغ شده عمل نمایند. در این راستا و در تحقق این مورد، ماده ی ۵۶ صریحاً اعلام و ابراز می‌نماید که، ضابطان دادگستری مکلفند، طبق مجوز

صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیا و مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند. این تکلیف یک استثنای مهم دارد و آن هم مقرره ی ماده ی ۵۷ درخصوص جرایم تهدید کننده ی امنیت و آسایش جامعه است. ماده ی ۵۷ قانون جدید در این خصوص مقرر می کند: «چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده ی امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می کنند».

از جمع این ۲ ماده می توان به این نتایج رسید که، با توجه به عبارت طبق مجوز صادره در متن ماده ی ۵۶، به نظر می رسد تکلیف مقرر در ماده، مربوط به جرایم غیره شهود است که دادستان یا بازپرس، اجازه ی تکمیل تحقیقات را با صدور دستورها و مجوزهای لازم به ضابطان دادگستری داده است اما به نظر می رسد که می توان آن را در مورد جرایم مشهود نیز قابل اعمال دانست. در جرایم مشهود نیز، ضابطان باید از بازرسی اشخاص، اشیاء یا مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند (امیدی، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۵).

همچنین، شرط مهم تکلیفی که در ماده ی ۵۷ بر دوش ضابطان گذارده شده است آن می باشد که آن جرم از جرایم مهمی باشد که امنیت و آسایش عمومی جامعه را تهدید کند (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳: ۶۷). تکلیف ضابطان به هنگام برخورد با آن جرایم، ضمن تفتیش و بازرسی درخصوص جرم حاضر، با توجه به آن که جرم مذکور ظاهراً قبلاً اتفاق افتاده و مشهود نیست، صرفاً حفظ ادله و تنظیم صورتجلسه است و باید بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح، گزارش کنند و مطابق دستوری که او صادر میکند عمل نمایند.

مقرر در دیگر، درخصوص تکالیف و وظایف متفرقه ی ضابطان درخصوص حفظ آثار و ادله ی جرایم، آن است که، ایشان، نمی توانند هزینه های ناشی از حفظ این آثار و ادله را بر دوش و بر بازوان بزه دیده قرار دهند. ماده ی ۶۲ در این رابطه بیان می دارد: «تحمیل هزینه های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله ی وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه دیده و خانواده ی او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است».

این ماده از نوآوریهای قانونگذار در قانون جدید است که در قانون سابق وجود نداشت. منتها ایراد و اشکالی که بر این ماده وارد است و به چشم می آید، این است که قانونگذار، برای تخطی و تخلف از مفاد و حکم این ماده، ضمانت اجرای خاصی پیش بینی ننموده است. هر چند مطابق اصول کلی مسئولیت مدنی، می توان تحمیل کننده ی ناروای هزینه را ضامن قرار داد، اما با این حال ضمانت اجرای کیفری خاصی نه در ماده و نه در ماده ی ۶۳ پیش بینی نشده که اگر می شد، مقرر، کامل تر می گشت.

۲-۶- بازپرس و وظایف آن در راستای حفظ آثار و ادله ی جرم از امحا و اخفا در قانون جدید

در سلسله مراتب دادسرا، رابطه ی دادستان با معاون، دادیار و کارمندان اداری یک رابطه طولی است. لیکن بازپرس به عنوان یک مقام نسبتاً مستقل در این نهاد انجام وظیفه می نماید. دادستان در مقام مدعی العموم و نماینده ی جامعه که خود یکی از طرفین تعقیب دعوی محسوب می شود، طبق اصل قانونی بودن تعقیب، ملزم به تعقیب دعوای عمومی تا حصول نتیجه است. حتی اصولاً حق اعتراض به آرای صادره را نیز دارد. اما بازپرس

در کمال بی طرفی به انجام وظیفه پرداخته و در موارد اختلاف نظر با دادستان اصولاً دادگاه صالح، مرجع حل اختلاف آنها خواهد بود (خالقی، ۱۳۹۰: ۴۶).

در خصوص حفظ آثار و ادله ی جرم از اخفا و امحا، در قانون جدید، تکالیفی چند بر دوش بازپرس گذارده شده که به تحلیل و ارزیابی این موارد خواهیم پرداخت.

استقلال مقام تحقیق که بازپرس می باشد از مقام تعقیب که وظیفه دادستان است، یکی از جلوه های مهم تحقق دادرسی عادلانه و از مظاهر اصل بی طرفی در دادرسی کیفری است.

وحدت مقام تحقیق و تعقیب، و اعطای اختیارات به شخص واحد باعث تضییع حقوق دفاعی متهم خواهد شد. چرا که دادستان به عنوان نماینده جامعه طرف دعوی کیفری محسوب می شود و تعقیب متهم را عهده دار است. روشن می باشد که چنین شخصی نمی تواند به دلیل فقدان و صف بی طرفی، امر تحقیق و جمع آوری ادله، له و یا علیه متهم را انجام دهد. لذا، در نظام های حقوقی که تحقیقات مقدماتی بر عهده دادرسان است، در جهت تفکیک مقام تعقیب از تحقیق، صدور قرار بازداشت موقت و توزیع پرونده را نیز از دادستان سلب و آن را به بازپرس سپرده اند. همچنین جمع آوری ادله و گرفتن تصمیم نهایی نیز از وظایف بازپرس است و نه دادستان (فتحی و دهقانی، ۱۳۸۹: ۹۰). ماده ۹۰ قانون جدید در خصوص تعریف تحقیقات مقدماتی مقرر می کند: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه ی اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود».

هدف از انجام تحقیقات مقدماتی، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم است. به همین جهت، این مرحله از دادرسی کیفری، یکی از مراحل حساس و مهم فرآیند رسیدگی است. علت اهمیت این مرحله نیز آن است که، به لحاظ زمانی، معمولاً مدت زمان زیادی از تاریخ وقوع جرم تا شروع تحقیقات نگذشته و احتمال این که ادله و آثار جرم از بین نرفته باشد، زیاد است. از این رو انجام تحقیقات در این مرحله، تاثیر زیادی در حفظ و جمع آوری ادله و تشکیل پرونده ای جامع و کامل جهت رسیدگی در دادگاه دارد (خالقی، ۱۳۹۰: ۴۴).

ماده ۹۲ قانون جدید نیز صریحاً مقرر می کند که: «تحقیقات مقدماتی کلیه ی جرایم بر عهده ی بازپرس است». این ماده، همان مقرره ی پیشینی شده در شق «و» ماده ی ۳ قانون تشکیل، اصلاحی سال ۱۳۸۱ می باشد، منتها باید توجه داشت که دادگاه کیفری استان به دادگاه کیفری یک، تغییر نام داده و میزان صلاحیت این دادگاه در رسیدگی به جرایم، افزایش پیدا کرده است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۲۵).

با عنایت به صدر این ماده باید گفت که، تحقیقات مقدماتی کلیه ی جرایم اعم از این که در صلاحیت دادگاه کیفری یا دو... باشد، بر عهده ی بازپرس است. با این حال در غیر جرایم موضوع ماده ی ۳۰۲ در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. تبصره ی ماده ی ۹۲ حاوی یک نکته ی مهم است که در قانون سابقه هم بی سابقه بوده است. مطابق این تبصره: «در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر، در آن دادرسان در جرایم موضوع ماده ی ۳۰۲ این قانون، دادرسان دادگاه به تقاضای دادگاه و تعیین رئیس حوزه ی قضایی، وظیفه ی بازپرس را فقط تا زمانی که این وضعیت باقی است، انجام می دهد». از آنجا که مقام بازپرسی، یک صلاحیت عام برای انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص کلیه جرایم را دارد. از سویی دیگر، گفته آمد که، مقام

دادستان که بی طرف نبوده و در مقام مدعی‌العموم یکی از طرفین دعوا محسوب می شود، بازپرس بی طرفانه به انجام تحقیقات می پردازد. بدین سان برخلاف دادستان، این مقام می تواند، تحقیقات مقدماتی کلیه ی جرایم را در اختیار بگیرد.

۳-۶- ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری

مقامات و مأموران وزارتخانه ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادها و شرکت‌های وابسته به آنها، سازمان‌های نظامی و انتظامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان قرار دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رئیس قوه قضاییه باشد. متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه‌ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود.

تبصره - در خصوص اسناد سری و به کلی سری مربوط به نیروهای مسلح رئیس قوه قضاییه می‌تواند اختیار خود را به رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح تفویض کند.

۴-۶- ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری

هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری بسپارد، بازپرس می‌تواند آنها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استتکاف اشخاص مذکور از ارائه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم می‌شود، اما در صورتی که این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضایی رسیدگی‌کننده ارائه می‌دهند. نوشته، اسناد و مدارک غیرمرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد.

در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین اخفا و امحای ادله و یا آثاری که مثبت و دلالت بر وقوع جرم می‌کند، عنوانی مجرمانه شناخته شده است و برای مرتکب این جرم مجازات معین شده است. هر گونه اخفا و یا امحایی، دارای مجازات‌های مشخص شده در قانون نیست، بلکه اخفا و یا امحایی جرم انگاری گشته که به دستگاه عدالت قضایی، در تعقیب متهم مساعدت می‌کند و هدف مرتکب آن خلاصی مجرم اصلی از محاکمه یا محکومیت است.

عمدتاً جرایمی در دستور کار مجرمین قرار می‌گیرند که دستگاه عدالت کیفری در کشف آن متعذر و متعسر باشد. عدم کشف اعمال مجرمانه، گاهی ریشه در تفکر و مهارت مرتکب دارد و گاهی نیز ریشه در ماهیت و عناصر تشکیل دهنده ی جرم ارتكابی (طبیعت جرم). مواردی که در آنها پنهان‌کاری جرم است به این شرح است: اخفای ادله جرم - اخفای اسناد دولتی - اخفای جسد - اخفای زندانی - اخفای طفل - اخفای جاسوسان - اخفای مال مسروقه و اخفای ماهیت واقعی عواید حاصل از جرم. تاکید اصلی این نوشتار در این خصوص، جرایم مبتنی بر پنهان‌کاری بر اخفای ادله جرم بوده است.

در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین اخفا و امحای ادله و یا آثاری که مثبت و دلالت بر وقوع جرم می‌کند، عنوانی مجرمانه شناخته شده است و برای مرتکب این جرم مجازات معین شده است. هرگونه اخفا و یا امحایی، دارای مجازاتهای مشخص شده در قانون نیست، بلکه اخفا و یا امحایی جرم انگاری گشته که به دستگاه عدالت قضایی، در تعقیب متهم مساعدت می‌کند و هدف مرتکب آن خلاصی مجرم اصلی از محاکمه یا محکومیت است.

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۳)، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران، نشرنی.
- ایمانی، عباس (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر آریان.
- خالقی، علی (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری، مرکز پژوهش های شهر دانش.
- رفیعی، محمדתقی (۱۳۸۵)، فرهنگ حقوقی مجد، تهران، انتشارات مجد.
- زراعت، عباس (۱۳۸۹)، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، ققنوس.
- شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر.
- فتحی، محمد جواد، دهقانی، علی (۱۳۸۸)، استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی و تاثیر آن در دادرسی عادلانه، مجله حقوق اسلامی، سال پنجم.
- قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۶)، مبانی سیاست مال جمهوری اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، میزان.
- گلدوزیان، ایرج؛ (۱۳۸۴)، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۵)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین ابرنآبادی، تهران، انتشارات یلدا.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، تهران، دانشگاه تهران.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰)، جرایم علیه اشخاص، تهران، میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۸۳)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش.